



آیت الله جوادی آملی: قلمرو پیام محدود به زمان خاصی نیست

نهضت سید الشهداء (ع) قضیه ای شخصی نیست، بلکه همانند سایر اولیای بزرگ خدا جریانی تاریخی است که سنت الهی محسوب می شود. از این رو، یقیناً پیام دارد؛ زیرا سنت های الهی بر همگان و در همه عصرها و نسل ها و مصرها جاری است و محدود به زمان و مکان مخصوص و افرادی خاص نیست.

نهضت سید الشهداء (ع) قضیه ای شخصی نیست، بلکه همانند سایر اولیای بزرگ خدا جریانی تاریخی است که سنت الهی محسوب می شود. از این رو، یقیناً پیام دارد؛ زیرا سنت های الهی بر همگان و در همه عصرها و نسل ها و مصرها جاری است و محدود به زمان و مکان مخصوص و افرادی خاص نیست.

به گزارش خبرگزاری مهر، آیت الله جوادی آملی در کتاب شکوفایی عقل در پرتو نهضت حسینی، به پیام های نهضت عاشورای سید الشهداء اشاره دارند که متن آن در پی می آید.

ایشان مرقوم داشته اند:

سنت بودن نهضت عاشورا ایجاب می کند که حوادث پیش از کربلا، رخدادهای روز عاشورا و حوادث پس از آن، از سوی موافقان و مخالفان تحلیل شود؛ یعنی باید سخنان و رفتار حاکمان دربار اموی، پیش از قیام حسین بن علی (ع)، دستورهای آنان در روز عاشورا و حرکت های آن ها پس از عاشورا بررسی شود تا روشن گردد که دشمنان اسلام می خواستند درباره براندازی آن تا کجا پیش روند.

شعاع پیام عاشورا

شعاع هر پیامی وابسته به شعاع هستی انشاءکننده آن پیام است. اگر مبدأ پیام در محدوده ای خاص حضور وجودی داشت، قلمرو پیام او هم به همان جا محدود خواهد بود و اگر مصدر پیام، منطقه ای وسیع را در حیطه هستی خویش داشت، شعاع پیام او نیز به همان اندازه وسیع خواهد بود.

ما اگر حسین بن علی (ع) را به انسان کامل و خلیفه خدا در زمین بشناسیم، منطقه نفوذ پیام او محدود نیست، بلکه تا آن جا که شعاع انسانیت هست، پیام حسینی نیز هست؛ خواه در پهنه زمین، خواه در گستره زمان.

یعنی در طول تاریخ، هر جا انسانی حضور و ظهور دارد، مخاطب کربلای حسینی است. البته هر گروهی که نیاز فکری و اجتماعی خود را در فرایند عاشورا می یابد، شاید چنین بیندیشد که تنها گروه آنان است که مخاطب اصلی کربلایند؛ لیکن بهره وری هر گروه، مستلزم انحصار پیام کربلا به آن نیست.

قلمرو پیام نهضت حسینی محدود نیست؛ بلکه مخاطب اصیل آن، انسان است و مؤید آن، سخن وجود مبارک رسول اکرم (ص) است که «حسین منی و أنا من حسین» [2]؛ «حسین (ع) از من است و من از او هستم». درست است که حسین بن علی (ع) نوه پیامبر (ص) است، ولی آن حضرت نوه های دیگری هم داشته اند که درباره آن ها چنین تعبیری نفرمودند. بنابراین، سخن رسول خدا (ص) به این معناست که کیان دین و نبوت و رسالت من با قیام حسین (ع) زنده است. از این رو، پیام نهضت حسینی تا شعاع رسالت و نبوت رسول اکرم (ص) نفوذ دارد.

بهترین سند برای ارزیابی منطقه رسالت رسول اکرم (ص) قرآن کریم است. بر پایه قرآن، وجود پربرکت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) برای همه مردم و جوامع بشری (جهانیان) منشأ رحمت است؛ و ما أرسلناک إلا رحمة للعالمین [3] و ما أرسلناک إلا کافه للناس [4]. اگر خداوند پیامبر (ص) را به نام رحمت عوالم ارسال کرده است و اگر همین پیغمبر (ص) می فرماید که من از حسین (ع) هستم، با این شکل منطقی قلمرو پیام کربلا روشن می شود.

زیرا خدا درباره پیغمبر (ص) می فرماید: برکت وجود او جهانی است و ایشان نیز با چنان شعاع رحمتی فرمودند: کیان من به کربلای حسین زنده است؛ «و أنا من حسین». از این رو، پیام نهضت حسینی نیز جهانی است. معنای جهانی بودن یک مکتب، حفظ دو اصل جامع و کلی است: یکی همگانی بودن به لحاظ افراد و دیگری همیشگی بودن به لحاظ ازمان.

بنابراین، پیام نهضت عاشورا برای شیعیان سودمند است؛ چون آنان امت امام حسین (ع) هستند. نیز برای قاطبه مسلمانان جهان مفید است؛ زیرا همگی زیر ولایت اویند؛ گرچه برخی به ولایت وی معتقد نیستند. همچنین برای همه موحدان و اهل کتاب عالم سودمند است؛ چون او پیام توحیدی دارد و همه موحدان مورد عنایت توحیدی آن حضرت (ع) هستند و سرانجام، برای همه جوامع بشری نفع دارد؛ زیرا کربلا قیام انسانی را به همراه دارد. بنابراین، هیچ انسانی از پیام نهضت کربلا محروم نیست و شعاع آن همه افراد بشریت را در بر می گیرد.

نیاز همگان به پیام

هیچ کس نمی تواند بگوید: من از مراسم سوگواری سالار شهیدان بی نیازم؛ خواه شیعه یا سنی، خواه کلیمی یا مسیحی یا زرتشتی و خواه مسلمان یا کافر؛ زیرا حسین بن علی (ع) گفتارها، رفتارها و نوشتارهای فراوانی در سطوح مختلف ارائه کرده است. به برخی فرمودند: اگر مسلمان نیستید، آزاد اندیش باشید و خاصیت آزاد اندیشی و آزادمنشی این است که انسان نه سلطه پذیر باشد، نه سلطه گر؛ «إن لم یکن لکم دین و کنتم لا تخافون المعاد فکونوا أحراراً فی دنیاکم» [5]. درس آزادگی نشانه آن است که جنبه انسانی کربلا همچنان محفوظ است و اگر کسی به مبدأ و معاد عالم معتقد نبود، به اصل حریت بشر اعتقاد

دارد و کربلا معلم حریت جوامع بشری است.

بنابراین، هیچ انسانی بی نیاز از بهره برداری از مراسم کربلا نخواهد بود و هیچ عالم و اندیشوری مستغنی از رهنمود عاشورا نیست؛ حتی زاهدان و عابدان که در بین راهند و حکیمان و متکلمان که به پایان راه نزدیکند و عارفان و شاهدان واصل که به قله بلند پایانی این راه رسیده اند، آن ها نیز جزو مستمعان راستین پیام حسینی اند؛ زیرا جریان کربلا، مجاهدان نستوه جهاد اصغر را می پروراند، مجاهدان متخلق و عالمان اخلاق جهاد اوسط را هدایت می کند و نیز عارفان به مقام فناء در فناء الهی را می پروراند و به آن ها دستور «محو قبل الصحو و صحو بعد المحو» می دهد.

عارفان نیز در جهاد اکبر که برتر از جهاد اوسط است، در می یابند که در داوری بین عقل و عشق، باید عشق را بر عقل حاکم کنند و آن جا که نبرد بیرحمانه بین اندیشه و شهود برپا می شود، لازم است شهود را بر اندیشه مقدم دارند و در مدار نبرد عرفان و حکمت، عرفان را بر حکمت مقدم کنند.

جریان کربلا، نسبت به شهادی عالی مقام آن، جنگ اصغر نبود تا برای آب و خاک بجنگند و نیز جریان جهاد اوسط نبود تا صرفاً برای تزکیه روح نبرد کنند؛ آن ها جهاد اصغر و اوسط را پشت سر گذاشتند و چون جهاد اکبر درجاتی دارد، به این بارگاه راه یافتند که مشهود شاهد عارف را بر فهم حکیم مَبْرُهن غالب کنند، سپس اصحاب خود را به این قله برسانند. اگر کسی خودش شاهد شد، باید امام شاهدان هم باشد؛ چون قرآن پس از معرفت، انسان را به مهاجرت فرا می خواند تا به امامت برساند.

فراگیری پیام

پیام نهضت حسینی فراگیر است و اختصاص به زمان خاص ندارد. حسین بن علی (ع) در جایی فرموده است: «وقتی هیئت حاکمه ملتی مثل یزید شد، باید اسلام را وداع کرد و دیگر اسلامی باقی نمی ماند» [6]. این سخن سید الشهدا سه ضلعی است: ناظر به قبل از حادثه کربلا، ناظر به زمان معاصر آن حضرت (ع) و نیز ناظر به زمان پس از کربلاست.

حضرت حسین بن علی (ع) فرمودند: که هر گاه زمامدار مردم، مثل یزید شد، در آن حال اسلام رخت بر می بندد. بنابراین، هر اندازه ساده اندیشان بگویند: دین با سیاست کاری ندارد و ما به دینمان می پردازیم و کاری به سیاست نداریم، سیاست بازان مکار می گویند: ما با شما و با دینتان کار داریم و شما باید دین را به میل ما بفهمید و اگر اهل فتوا هستید، طبق خواسته ما فتوا بدهید و تمام کارهای ما را تصدیق کنید و کارهای ما را مطابق با دین خدا بدانید؛ اگرچه کسی که مسؤول فتوا یا قضاست، «شریح قاضی» باشد. او نیز می گفت که دین با سیاست کاری ندارد، اما سیاست او را رها نکرد؛ بلکه سیاستمداران مکار به او گفتند: تو باید به سود ما فتوا بدهی و حسین بن علی (ع) را مهدور الدم بدانی و با فتوای تو باید عده ای به کربلا بیایند.

سخن سید الشهدا (ع) این نیست که اگر شخص یزید حاکم جامعه شد، باید اسلام را خداحافظی کرد، بلکه فرمودند: آن روزی که مثل یزید ... یعنی شخص خود یزید مطرح نیست، بلکه جریان یزیدی مطرح است. این بیان حضرت سید الشهدا (ع) ناظر به سه عصر است: عصر قبل از کربلا، عصر معاصر کربلا و عصر بعد از کربلا.

عصر قبل از کربلا همان دورانی است که معاویه حاکم بود و عصر خود کربلا زمان حکومت یزید بود و عصر پس از آن وقتی بود که مروان و حجاج و... حکومت می کردند. امام حسین (ع) در بخش های دیگر سخنان خود فرموده است: «مثلی لا یبایع مثله» [7]؛ «کسی که مانند من فکر می کند، با کسی که مانند یزید فکر می کند، بیعت نمی کند».

از آن جهت که اهل بیت عصمت و طهارت (ع) یک نورند، هیچ یک از آن ذوات مقدس با حاکم جائر عصر خود، مختارانه بیعت نکردند و هرگز سلطه ظالمانه امویان، مروانیان و عباسیان را مشروع نمی دانستند و آن را در خور قبول تلقی نمی نمودند.

از گفتار و کردار حسین بن علی (ع) معلوم می شود که او جزو مردان الهی ای است که درباره سه عصر و سه نسل می اندیشد. او تنها عصر خود را نمی بیند، بلکه گذشتگان و آیندگان خود را نیز می نگرد؛ یعنی تمام جوامع بشری را ملحوظ می دارد.

سخنان امام حسین (ع) نشان می دهد که نهضت حسینی، سنت الهی بوده است، نه جریان شخصی؛ زیرا آن حضرت، سخن از مثل خود و مثل یزید دارد، نه از شخص خود و شخص یزید. بنابراین، پیام نهضت کربلا محدود به زمان خاص نیست، بلکه نسبت به گذشته و حال و آینده جریان دارد.

[1]. شکوفایی عقل در پرتو نهضت حسینی، خلاصه صفحات 83-108

[2]. بحار الأنوار، ج 43، ص 261.

[3]. سوره انبیاء، آیه 107.

[4]. سوره سبأ، آیه 28.

[5]. کلمات الإمام الحسین (ع)، ص 504.

[6]. کلمات الإمام الحسین (ع)، ص 284.

[7]. بحار الأنوار، ج 44، ص 325.